



انترناسیونال

۱۰۳

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۱ شهریور ۱۳۸۴، ۲ سپتامبر ۲۰۰۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

تظاهرات علیه دادگاههای اسلامی

فراخوان تشکیلات خارج
صفحه ۷

"خاوران" از بین بردنی نیست!

اطلاعیه حزب
صفحه ۷

در حاشیه رویدادها

فاشیسم علیه پناهندگان افغانی

سالگرد قتل عام کودکان در بسلان

کاظم نیکخواه

صفحه ۸

برای نابودی تروریسم اسلامی باید دست به ریشه برد



مصاحبه با علی جوادی

در باره پلاتفرم دفتر سیاسی علیه تروریسم اسلامی

سیاسی در شرایط حاضر چه
ضرورتی دارد؟

صفحه ۳

سیاسی علی العموم و مبارزه با
تروریسم اسلامی مشخصا
مواضع قاطع و روشنی دارد. با
توجه به این، اعلام يك پلاتفرم

پلاتفرم ترتیب داده شده است.
محسن ابراهیمی: حزب کمونیست
کارگری در باره مبارزه با اسلام

در شماره قبلی، پلاتفرم دفتر
سیاسی علیه تروریسم اسلامی
چاپ شده است. گفتگوی زیر برای
توضیح جوانب مختلف این



ستون اول

محسن ابراهیمی

آشویتس اسلامی ۶۷

به یاد جانباختگان تابستان ۶۷

کمیسیون قتل عام ۶۷ به "کمیسیون هواپرد
مرگ" مشهور شده است. آنها وقت زیادی
نداشتند. آنها باید در فاصله کوتاهی امر
بزرگی را پیش می بردند. وقت رفت و آمد با
ماشین را نداشتند. با هلی کوپتر مشغول
پرواز میان زندان اوین و گوهر دشت بودند.
میرغضبهای اسلامی قرار بود لجنزار
حکومت اسلام را بسرعت برق از شریفترین
انسانها پاک کنند. آنها مامور سازمان دادن
قتل عام زندانیان سیاسی بودند. آنها مامور
اجرای فرمان خمینی بودند. کدام فرمان؟

۸ سال گذشته بود. ۸ سال از جنگی که
هزاران جوان را به کام مرگ کشانده بود
گذشته بود. ۸ سال از این توهم ابلهانه که قرار
است سپاه قدس کربلا را فتح کند، دروازه های
قدس را بگشاید و قشون اسلام را به غرب
برساند و امپراطوری اسلامی را در جهان
مستقر کند گذشته بود. ۸ سال از جنگی که
قرار بود اسلام را در خارج و خفقان اسلامی را
در داخل مستقر کند گذشته بود و خمینی
مجبور شده بود "جام زهر" سر بکشد: ...

صفحه ۲

شمشیر زنگ زده احمدی نژاد و شرکا

مینا احدی



است و دیگر به راحتی دوران
خمینی جلا بوهبر و معبود و
سردسته هر دو جناح حکومت،
کارایی ندارد.
جمهوری اسلامی ایران،

صفحه ۵

حرف میزدند، نه از سر "مدنیت"
آنها، بلکه اجبارشان به تمکین
بود. احمدی نژاد تیر خلاص زن و
شرکا خیلی زود تجربه میکنند
که مشکل پیشینیان آنها نه عدم
قاطعیت و یا تمایزشان به کمتر
خون ریختن بوده، بلکه حقیقت
اینست که این شمشیر زنگ زده

هست. احمدی نژاد و شرکا که با
شعار بگیر و ببند و سرکوب
وحشیانه تر و گسترده تر، به
میدان آمدند، فقط دو هفته طول
کشید تا ببینند که اوضاع عوض
شده است. اگر دوستان و هم سفره
ایهای دوم خردادی اینها، همواره
از عدم کارایی شمشیر حکومت

اولین عقب نشینی مهم
حکومت در مقابل موج
اعتراضات به احکام اعدام در
ایران

حربه اعدام برای جمهوری
اسلامی يك وسیله مهم ترساندن
و عقب راندن مردم بوده و

بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری

پیرامون نظام حکومتی در عراق!

صفحه ۴

لیست شماره ۲ و ۳
در پاسخ به
فراخوان مالی
حزب

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

ستون اول

شما عزیزان از هر کس بهتر می دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است... خداوند، ما برای دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش بس را قبول می کنیم.

جام زهر؟! این سمبلیک ترین بیان یک حقیقت تاریخی بود: اینکه دیگر نمیتوان با عریده "جنگ جنگ تا پیروزی" صدای مردم را خاموش کرد. اینکه دیگر نمیتوان جامعه را با لولوی "میهن اسلامی در خطر است" به خفقان سیاه کشاند. اینکه ممکن است نسلی داغدار که عزیزانشان با "کلید بهشت" روی مینها لت و پار شده بودند فریاد اعتراض برآورند. اینکه پایان جنگ میتواند آغاز انفجار سیاسی شود. میتواند آغازی برای پایان حکومت اسلامی شود. پس باید سرعت دست به کار شد و جامعه در حال انفجار را به خفقان کشید. باید رعب و وحشت آفرید. باید به یک نسل خشمگین و خسته و داغدار حالی کرد که مبادا تصور کنند جنگ تمام شده است و الان دیگر وقت اعلام توقعاتشان است. باید قساوت اسلامی در آدمکشی را - این بار در ابعادی هراس انگیزتر از اوایل دهه ۶۰ - به یاد جامعه آورد. باید قتل عام سالهای ۶۰ را با قتل عام ۶۷ تکمیل کرد.

و این چنین بود که خمینی رسماً فتوای کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی را صادر کرد. سران حکومت اسلامی به سراغ امامشان رفتند و در مورد تعیین تکلیف زندانیان سیاسی استفتا کردند. و امام تبهکار فتوی داد: "... هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد، حکمش اعدام است". خمینی پیرو راستین قرآن است. فرزند خلف محمد است. همان محمدی که وقتی فرمان قتل عام قبیله بنی قریظه را صادر کرد دستور

داد آنها را به مدینه بیاورند، گودال بکنند و ۷۰۰ نفر از این قبیله را در کنار آن گودالها گردن بزنند. براستی که پدرخوانده های مافیای سیسیل در مقابل قساوت محمد و خمینی، این پدرخوانده های مافیای اسلامی مستحق جایزه صلح نوبل هستند! خمینی به دنبال فتوای قتل عام تاکید کرد که "سریعا دشمنان اسلام را نابود کنید." و "کمیسون هوابرد مرگ" سریعا دشمنان اسلام را کشتار کرد. هلیکوپترها براه افتاد.

آیا به خدا اعتقاد دارید؟
آیا به بهشت و جهنم معتقد هستید؟

آیا محمد را بعنوان خاتم انبیاء قبول دارید؟

آیا در ماه رمضان روزه می گیرید؟

آیا قرآن می خوانید؟

آیا هر روز نماز می خوانید؟

آیا حاضرید رفقای خود را در مقابل دوربین تلویزیون تقبیح کنید؟

آیا حاضرید رفقای خود را لو دهید؟

آیا حاضرید از میان میدانهای



طنابهای دار آماده شد. تلویزیون بندها جمع آوری شد. ورود روزنامه ممنوع شد. هواخوری قطع شد. هرگونه ملاقات ممنوع شد. زندانیان جایجا شدند. و به زندانیان بی خبر اطلاع دادند که تمام این تحولات به خاطر اجرای "عفو عمومی" است! کشتار عمومی تحت نام عفو عمومی؟! مرگ آوران اسلامی میخواستند زندانیان را در بی خبری و ناآمادگی کامل قصابی کنند. مگر نه اینست که طبق قرآن "خداوند مکارترین مکارهاست" و پیروانش باید همین مکاری خداوند را به کار ببندند؟

در حالیکه چوبه های دار در حسینیه اوین و تالار سخنرانی گوهردشت بر پا شده بود ماشین انگیزاسیون اسلامی در هر دو زندان بکار افتاد. زندانیان در مقابل این سئوالات قرار گرفتند: آیا شما مسلمانید؟

مجریان دارزنی خسته شدند. درخواست کردند که زندانیان تیرباران شوند. کمیسون مرگ به این درخواست تن نداد. شلیک های تیرباران میتوانست این قتل عام خاموش در آشویتس اسلامی را بر هم بریزد. زندانیان قرار بود در سکوت و خفقان مطلق قتل عام شوند و در سکوت مطلق قتل عام شدند. و امروز این عزیزان در گورهای بی نام و نشان، و بزرگترین آنها یعنی گورستان خاوران سر در خاک گذاشته اند.

۱۷ سال از این نسل کشی اسلامی گذشته است. گورستان خاوران به میعادگاه مادران و پدران داغدار و نسل جوان معترض به اسلام و حکومتش تبدیل شده است. گورستان خاوران به شاهدی زنده از کشتار خاموش ۶۷ تبدیل شده است. و دقیقاً به همین دلیل جمهوری ترور اسلامی به فکر "آباد کردن" این گورستان، به فکر تبدیل این گورستان به یک گورستان عمومی، به فکر از میان بردن سند



مین گذاری شده جبهه های جنگ عبور کنید؟

آیا حاضرید طناب دار بر گردن رفقای خود ببندازید؟

با این مراسم شنیع اسلامی که در اکثر زندانها دایر بود، زندانیان دسته بندی شدند. عده ای به سوی شلاق و شکنجه و ادامه اسارت روانه شدند وعده ای به سوی چوبه های دار. آنها در دسته های شش نفری همراه هم و در کنار حلق آویز شدند.

جنایت ۶۷ افتاده است. به فکر این افتاده است که صدای اعتراض به کشتار خاموش ۶۷ را هم خاموش کند. به فکر این افتاده است که کشتار خاموش ۶۷ را به سکوت همیشگی تبدیل کند. انقلاب مردم ایران، تک تک آدمکشان اسلامی، فرماندهان و مجریان این نسل کشی اسلامی را به پای میز محاکمه خواهد آورد. *

دیکتاتورهای نظامی آرزانتین

هم تصور میکردند که میتوانند صدای زندانیان سیاسی ای را که با دستان بسته به قعر اقیانوس پرتاب کردند تا ابد خاموش خواهند کرد. اما "مادران میدان مایو" عکس عزیزانشان را بر سینه زدند و هرینحشبنه در میدان مایو جمع شدند و فریاد غرق شده آن قربانیان را به فریادی بلند علیه آن جنایت تبدیل کردند. دیکتاتورهای نظامی ترکیه هم تصور میکردند میتوانند صدای زندانیان ناپدید شده را تا ابد خاموش کنند. اما "مادران شنبه" هرشنبه در شهر استانبول گرد آمدند و آرزوی آن دیکتاتور را به گور سپردند. پینوشه هم تصور میکرد میتواند صدای زندانیان ناپدید شده شبلی را تا ابد زیر خاک کند. اما بعد از سه دهه صدای آن جانبختگان به فریاد نسلی آزادخواه تبدیل شده است و این دیکتاتور فرتوت را در هیچ کجای دنیا راحت نمی گذارد. فرماندهان و مجریان قتل عام اردوگاههای تربلینکا و آشویتس هم تصور میکردند صدای نسلی که در کوره های آدمسوزی این اردوگاهها خاکستر کردند تا ابد خاموش خواهد ماند. اما ۶۵ سال بعد از آن نسل کشی، جانبان نازی همچنان منفور بشریت هستند.

مادران و پدران و نسل جوانی که هر سال در گورستان خاوران جمع میشوند و یاد آن جانبختگان را گرامی میدارند همراه و همگام "مادران میدان مایو"، "مادران شنبه" و همه آزادخواهان جهان اعلام میکنند که تبهکاران اسلامی پیرو قرآن و محمد کور خوانده اند اگر تصور میکنند کشتار خاموش ۶۷ را به سکوت همیشگی تبدیل خواهند کرد. انقلاب مردم ایران، تک تک آدمکشان اسلامی، فرماندهان و مجریان این نسل کشی اسلامی را به پای میز محاکمه خواهد آورد. *

سوسیالیسم پیا خیز!
برای رفع تبعیض!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ مصاحبه با علی جوادی

علی جوادی: حزب کمونیست کارگری مواضع روشن و قاطعی پیرامون اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی دارد. در این مورد کمبودی نداریم. اما تدوین یک پلاتفرم جامع علیه تروریسم اسلامی و سازمان دادن یک مبارزه هدفمند و چند بعدی علیه این نیروی آدمکش مدتهاست که احساس میشد. منصور حکمت در سلسله مقالاتش پیرامون جنگ جهانی تروریستها به این ضرورت اشاره روشنی داشت. متأسفانه سرطان مجالش نداد. از طرف دیگر گسترش عملیات تروریسم اسلامی در سطح جهان ضرورت راه اندازی یک جنبش فعال علیه تروریسم اسلامی را به طور ویژه ای تشدید کرده است. هدف حزب کمونیست کارگری شکل دادن به مبارزه ای همه جانبه علیه این جنبش ارتجاعی است.

محسن ابراهیمی: در پلاتفرم روی این تاکید میشود که برای نابودی تروریسم اسلامی باید دست به ریشه برد. منظور از دست به ریشه بردن در این رابطه چیست؟

علی جوادی: تروریسم کار گروههای مجزا و منفرد اسلامی نیست. روش قدرت گیری جنبش اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی آن جنبش ارتجاعی است که تروریسم اسلامی بر مبنای آن معنا و تحرک پیدا میکند. این جنبش بدون کشتن و ترور و بمب گذاری راه دیگری برای قدرت گیری و پیشروی ندارد. از اینرو برای ریشه کن کردن تروریسم اسلامی باید به سراغ جنبش اسلام سیاسی رفت. باید مبانی رشد و گسترش و زمینه های عینی و اجتماعی این جنبش ارتجاعی را مورد تعرض قرار داد. باید ریشه این جنبش ارتجاعی را خشکاند.

برای نابودی تروریسم اسلامی دولتی باید دولتهای تروریست اسلامی را سرنگون کرد. برای نابودی تروریسم غیر دولتی باید زمینه های عینی و اجتماعی که این جنبش خود را بر آن استوار کرده است، از میان برداشت. باید عوامل مساعد به رشد و گسترش این جنبش را شناخت و از میان برد.

محسن ابراهیمی: پلاتفرم میگوید که

تروریسم اسلامی یک رکن استراتژیک اسلام سیاسی است. آیا نمیتوان اسلام سیاسی را بدون تروریسم تصور کرد؟ آیا تروریسم یک جزء جدانشدنی از اسلام سیاسی دوران جدید است؟

علی جوادی: اسلام سیاسی جنبشی برای "تنویر افکار" نیست. الزاماً "قهقی" و اسکولاستیک نیست. نیرویی فقط برای حقنه کردن مذهب و اسلام به جامعه و مردم نیست. یک نیروی مدعی کسب قدرت است. دعوی اسلام سیاسی سهم بری از قدرت سیاسی و تصرف قدرت است. از اینرو با بخشهای دیگر سرمایه بر سر قدرت به جنگ برخاسته است. تروریسم و آدمکشی کور راه پیشروی و سهم بری این جنبش از قدرت است. اگر انقلاب و جنبشهای آزادیخواهانه راه پیشروی بشریت متمدن است، ترور و آدمکشی هم راه پیشروی اسلام سیاسی است. یک جنبش ارتجاعی، با اهدافی ارتجاعی، با روشهای تروریستی برای قدرت گیری. این کلیت اسلام سیاسی است. تروریسم را از اسلام سیاسی بگریزید، این جنبش دو روز هم در مقابل آزادیخواهی و سکولاریسم و سوسیالیسم دوام نخواهد آورد. بسرعت میتواند نابودش کرد.

محسن ابراهیمی: پلاتفرم از نقش سیاستهای آمریکا در دامن زدن به تروریسم اسلامی صحبت میکند و مشخصاً مقابله با سیاستهای تجاوزگرانه و قلدری نظامی آمریکا را یک رکن تعیین کننده برای نابودی تروریسم اسلامی تلقی میکند. این دو با هم چه ارتباطی دارند؟

علی جوادی: اگر تروریسم اسلامی یک قطب تروریسم جهانی است. قطب دیگر تروریسم جهانی را ماشین نظامی و کل دستگاه میلیتاریسم آمریکا و ناتو تشکیل میدهد. راه دوری نباید رفت. لازم به استدلال پیچیده ای نیست، جنگ آمریکا در افغانستان و عراق خود نمونه های برجسته تروریسم دولتی است. به همان اندازه دهشتناک و مخرب و ضد انسانی و کشنده است. کارنامه این قطب تروریستی نیز چیزی جز بمباران و آدمکشی نیست. از طرف دیگر عملکرد این قطب

تروریستی نه تنها موجب نابودی و یا تخفیف تروریسم اسلامی نشده است بلکه بر عکس باعث رشد و گسترش آن شده است. امروز بغداد کعبه تروریسم اسلامی است. در هر گوشه جهان شاهد عملیات تروریسم اسلامی هستیم. در واقع تروریسم دولتی آمریکا و ناتو روی دیگر سکه تروریسم اسلامی است. ادعاهای هیات حاکمه آمریکا و دستگاه تبلیغاتی غرب مبنی بر نابودی تروریسم اسلامی پوچ است. سیاست آمریکا مبنی بر "جنگ گسترده علیه تروریسم" عملاً منجر به گسترش عملیات تروریسم اسلامی در سطح جهان شده است. با تروریسم دولتی نمیتوان به جنگ تروریسم اسلامی رفت. تنها با مبارزه برای آزادی و برابری و رفاه و مدنیت است که میتوان تروریسم را از میان برداشت.

محسن ابراهیمی: جایگاه جمهوری اسلامی در اشاعه تروریسم اسلامی و در همین رابطه جایگاه سرنگونی جمهوری اسلامی در نابودی تروریسم اسلامی یک بحث محوری پلاتفرم است. در مورد هر دو جنبه این بحث توضیح دهید و مشخصاً در این مورد بیشتر صحبت کنید که سرنگونی رژیم اسلامی چرا و چگونه در نابودی تروریسم اسلامی نقش خواهد داشت؟

علی جوادی: امروز رژیم اسلامی در ایران پایگاه اصلی و نقطه اتکاء تروریسم اسلامی در سطح خاورمیانه است. سرنگونی رژیم اسلامی، ایران را از پایگاه تروریسم اسلامی در جامعه ای به اهمیت استراتژیک ایران در خاورمیانه به یک پایگاه و رهبر مبارزه علیه اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در سطح جهان تبدیل خواهد کرد. تشعشعات حرکت سرنگونی رژیم اسلامی بدون تردید خاورمیانه را در بر خواهد گرفت. تمام روندهای سیاسی موجود در سطح منطقه را تحت تاثیر حرکت خود قرار خواهد داد. از طرف دیگر سرنگونی رژیم اسلامی افق کسب قدرت سیاسی توسط اسلامیهستها را در سایر کشورهای خاورمیانه به شدت تیره و تار میکند. اگر قدرت و توان رژیم اسلامی از پشت حرکت اسلام سیاسی برداشته شود، این جنبش به سرعت افول خواهد کرد.

زمینه ای برای گسترش تحرک اسلامی است.

محسن ابراهیمی: و به عنوان آخرین سؤال، مسئله فلسطین و اوضاع عراق به زمینه ای برای نیرو گیری تروریسم اسلامی تبدیل شده است. راه حل مورد نظر پلاتفرم دفتر سیاسی برای رها کردن مردم فلسطین و عراق از شرایط دهشتناک کنونی و کوتاه کردن تروریسم اسلامی از این دو منبع نیرو گیری چیست؟

علی جوادی: تروریسم اسلامی ربطی به مشقات و مصائب مردم فلسطین ندارد. اما از وجود این زخم بر پیکر مردم فلسطین تغذیه میکند. یک رکن نابودی تروریسم اسلامی ایجاد دولت مستقل فلسطینی است. این دولت باید از حقوق مساوی مانند تمام دولتهای جهان برخوردار باشد. برای تحقق چنین امری باید دولتهای مدافع اسرائیل را تحت فشار قرار داد. چپ و سکولاریسم باید نیروهای دست راستی را چه در اسرائیل و چه در فلسطین از صحنه کنار بزنند.

در عراق مساله پیچیده تر است. باید دست نیروهای قوم گرا و اسلامیهست و نیروهای اشغالگر نظامی را از سر مردم کوتاه کرد. نیروهای اشغالگر نظامی باید از عراق خارج شوند. باید نیروهای مسلح قومگرا و اسلامیهست را خلع سلاح کرد. این تنها آغاز راهی است که مردم میتوانند روی خوشی و سعادت را ببینند. *

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: horizontal

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری پیرامون نظام حکومتی در عراق!

تبلیغات و تحریکات راسیستی علیه شهروندان افغانستانی ممنوع!

در مقابل این رفتار توهین آمیز و سیاستهای ضد انسانی و ضد پناهندگی جمهوری اسلامی ایران، کمتر سازمانی یا نهاد مترقی است که علنا اعتراض کرده و به این فضای هیستریک و ضد انسانی اعتراض کند* امروز با تجاوز دسته جمعی و رفتار وحشیانه یک باند آدم ربا علیه یک دختر جوان، این فضا بیش از پیش تحریک شده و حکومت جنایت اسلامی از این فضا سازی نهایت استفاده را میکند*

ولی درست در همین اوضاع باید در جلوی صف ایستاد و به همه کسانی که تحریک شده اند، به همه کسانی که این اواراد را تکرار میکنند که "مشکل مردم ایران از افغانیها است" و "همه افغانیها دزد و قاتلند" و "باید همه را بیرون ریخت"، با صدای بلند و با قدرت تمام اعلام کرد که تمام کنید! این بساط توهین و اعمال فشار را جمع کنید!

کسی در این دنیا حق ندارد و نباید حق داشته باشد، علت وقوع جرایم را به ملیت افراد ربط دهد* جرم از طرف افراد اتفاق افتاده و باید به آن رسیدگی کرد* هیچ جرمی تاوان دسته جمعی ندارد و اگر چنین بود همه مردم ایران را باید از آن خاک بیرون میکردند چرا که روزانه جرایم متعدد از سوی "ایرانیان" بر علیه ایرانیان اتفاق می افتد*

نویسنده مقاله علیه افغانستانیها در روزنامه اعتماد چنان با بیرحمی حرف میزند که اگر این جنایات بر علیه افغانیها بود ما که خوشحال هم میشدیم، ولی این جرم بر علیه یک ایرانی است و آنهم یک دختر که ناموس ما ایرانیهای باغیرت است* پس باید چنین و چنان کرد*** که واقعا در پشت این مطلب و در پس کلمات قیافه ای را می بینید که دست کله تاسهای راسیست اروپایی را از پشت بسته است*

"افغانیها را باید بیرون ریخت، حکومت به اندازه کافی قاطع نیست و درخواست از حکومت ایران که تندتر و بیرحم تر باشد" فراخوان این کر دسته جمعی است که گوش فلک را کر کرده است*

هیچ سازمانی که خود را مدافع

این بار تجاوز چند مرد افغانستانی به یک دختر ایرانی، زمینه ساز حملات راسیستی غیر قابل تصویری به افغانستانیهای مقیم ایران شده است، که باید با عکس العمل فوری همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و مخالف راسیسم مواجه شود*

پخش خبر زندانی بودن یک دختر ۱۷ ساله به دست یک باند جنایتکار، موجی از اعتراض و خشم را در ایران برانگیخته است* اگر اعلام نمیشد که تجاوز کنندگان متولد کدام کشور هستند، این رفتار غیر انسانی و جنایتکارانه، نیز در میان انبوهی از اخبار تجاوز و قتل و آتش زدن و خفه کردن زنان و دختران که با تاسف فراوان به وفور و روزانه اتفاق می افتد، گم میشد*

در روزنامه ها و رادیو و تلویزیون حکومت به راحتی نه فقط ملیت این افراد یعنی افغانی بودن را مطرح میکنند، بلکه به تبلیغات و تحریکات فوق العاده شدید بر علیه همه "افغانیها" دامن زده و فرمان قتل افغانیها، فرمان باز پس فرستادن فوری آنها به افغانستان و فرمان نابودی دسته جمعی آنها را میدهند* بدنبال این فضا سازی، مقامات حکومتی یکی پس از دیگری از بازپس فرستادن افغانستانیها به کشورشان و سرعت بخشیدن به آن حرف میزنند*

یکی از نمونه های شنیع تبلیغات راسیستی را بطور مثال در روزنامه اعتماد روز سه شنبه ۳۰ اوت میتوان دید که اگر نویسنده آن، بطور مثال در آلمان این مطلب را می نوشت، حتما دو روز بعد باید در دادگاه حاضر میشد و به جرم تبلیغ بر علیه هزاران نفر شهروند، بجرم تبلیغات راسیستی و تحریکاتی که میتواند منجر به قتل این افراد شود، محاکمه میشد و باید پاسخگوی این نوشته سراپا توهین و لجن پراکنی میشد*

این البته اولین بار نیست که صفی از حکومتیها، و ناسیونالیستهای دو آتشه و عاشق آب و خاک و میهن به رجزخوانی و توهین رسمی و علنی بر علیه میلیونها نفر افغانستانی دست میزنند* و جای تاسف فراوان است که

نیروهای نظامی اشغالگر از عراق خارج شوند. دستجات و باندهای مسلح قومی و مذهبی خلع سلاح شده باشند. امنیت ابراز وجود سیاسی و اجتماعی تامین شده باشد. احزاب آزاد باشند و آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات و اعتصاب و تحزب و تشکیل برسمیت شناخته شده باشد.

حزب کمونیست کارگری اعلام میکند، سکولاریسم، جدایی دین از دولت، آموزش و پرورش و هویت شهروندی، خواست بحق مردم عراق و شرط لازم و انکار ناپذیر استقرار یک نظام آزاد در عراق است. یک نظام مترقی و آزاد تنها میتواند بر مبنای حقوق برابر شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، نژاد، تعلقات قومی و ملی ویا برسمیت شناختن آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، آزادی ابراز وجود اجتماعی و آزادی بی قید و شرط زن و برابری کامل زن و مرد، پایه ریزی شود. برای مقابله با این سرنوشت سیاه و خونبار باید پرچم سکولاریسم، آزادیخواهی و برابری طلبی را برافراشت. امروز در عراق و درسراسر جهان احزاب، دولت ها و نیروهای سیاسی بورژوازی از سکولاریسم و مدنیت دست شسته اند و پرچم سکولاریسم و مدنیت در دست جنبش کمونیسم کارگری است.

قدرت گیری چپ در جامعه و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی تنها راه تضمین آزادی و برابری کامل شهروندان، رفاه و سعادت همگان، و ایجاد یک نظام سکولار در عراق است.

حزب کمونیست کارگری تمام مردم آزادیخواه و برابری طلب را به راه اندازی یک کمپین "نه" گسترده در سطح جهانی به این تلاش آمریکا و مرتجعین اسلامی و قومی در عراق و گرد آمدن حول پرچم سکولاریسم، آزادی و برابری و اهداف و سیاست های آزادیخواهانه و سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری چپ عراق فرامیخواند.

دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ اوت ۲۰۰۵

مدنی و شهروندی انسان است. ناقض آزادیهای ابتدایی سیاسی و مشحون از تبعیض و نابرابری میان انسانها است. این حکومت بر مبنای زن ستیزی آشکار و ارزشهای عمیقا مردسالار بنیان گذاشته شده است. آپارتاید جنسی و نقض حتی ابتدایی ترین حقوق زنان یک رکن اساسی این نظام است. با تصویب این قوانین موقعیت زنان رسماً به شهروندانی فاقد هر گونه حقوقی تنزل خواهد کرد. قوانین اسلامی در مورد حقوق و موقعیت زن در اجتماع و خانواده صریحا و آشکارا ضد زن و ارتجاعی است. بر مبنای این قانون اساسی قوانینی چون حجاب اسلامی، جداسازی زن و مرد، تعدد زوجات، حاکمیت مرد بر خانواده، و تبعیضات متعدد دیگر اسلامی به قوانین رسمی و عرف حاکم بدل خواهند شد.

دولت در عراق بر پایه قومیت و مذهب سازمان داده شده است. مردم عراق را به مذاهب و اقوام با منافع متضاد و متخاصم تقسیم کرده اند و این هویتهای کاذب را بر سینه شان نصب کرده اند. تقسیم بندی مردم به مذاهب و اقوام مختلف و تثبیت آن به شکل فدرالیسم قومی- مذهبی موجب تشدید انواع خصومتها و کشمکشها و زمینه ساز آینده ای خونبار در عراق است. این تلاش که نظام مبتنی بر تقسیم آحاد جامعه به اقوام و مذاهب را نسخه ای برای دمکراتیزه کردن سیستم اداری کشور و یا متضمن گسترش آزادی های سیاسی و احقاق حقوق مردم قلمداد میکند، تلاشی عمیقا ارتجاعی و عوامفریبانه است.

حزب کمونیست کارگری هر گونه تقسیم بندی مردم به اقوام و مذاهب و تلاش و بند و بست بمنظور حاکم کردن یک حکومت اسلامی و قومی بر سرنوشت مردم عراق را قویا محکوم میکند. چنین دولتی نباید به عنوان نماینده مردم عراق در هیچ مجمع بین المللی برسمیت شناخته شود. مردم عراق تنها در شرایطی میتوانند حکومت مورد نظر و مطلوب خود را تعیین کنند که

قانون اساسی پیشنهادی عراق به یک نظام اسلامی، قومی و ضد زن در عراق رسمیت می بخشد و حاکمیت دستجات قومی و باندهای سیاه مذهبی را بر سرنوشت و مقدرات مردم تحکیم و تثبیت میکند. این در ضدیت آشکار با منافع مردم در عراق است. این قوانین وضعیت فاجعه بار عراق را تداوم و گسترش می دهد. رسانه های غربی وقیحانه تلاش برای تثبیت این مجموعه ارتجاعی را بخشی از پروژه تحقق "حقوق مردم عراق" و دستیابی به "صلح" و "حقوق بشر" نام گذاشته اند!

آنچه در عراق میگذرد نمونه دیگری از پیاده شدن سیاست نظم نوین جهانی در دوران پس از جنگ سرد است. در عراق مردم برخلاف تبلیغات رسانه های غربی فاقد امکان ابراز وجود اجتماعی و آزادانه خود هستند. جنگ آمریکا و متحدینش شیرازه جامعه عراق را از هم پاشیده است. تروریسم جریانات اسلامی از یک سو و ماشین نظامی آمریکا از سوی دیگر، امنیت و آسایش را از مردم سلب کرده و وضعیت تیره و تاری را بر جامعه حاکم کرده است. باندهای تروریست اسلامی و نیروهای اشغالگر نظامی عملا زندگی مردم عراق را به گروگان گرفته اند. ناامنی، فقر و فلاکت و فقدان امکانات اولیه اجتماعی مردم را مستاصل و عاصی کرده است. این قانون اساسی و نظام اسلامی - قومی مبتنی بر آن محصول بند و بست آمریکا و متحدینش با جریانات اسلامی و قوم پرست است. چنین حکومتی نماینده منافع مردم در عراق نیست.

براساس قانون اساسی پیشنهادی قوانین ارتجاعی اسلامی مبنای قانونگذاری در جامعه است. اسلام مذهب رسمی کشور اعلام میشود. قوانین مدنی و کشوری از اسلام نشأت میگیرد و هیچ قانونی نمیتواند متناقض با قوانین اسلامی باشد. این یک حکومت اسلامی دیگر از جنس حکومت اسلامی در ایران است. این حکومت نافعی ابتدایی ترین و بدیهی ترین حقوق

دستمزدهای پرداخت نشده و اخراج موضوع اعتراض بخشهای مختلف کارگران

حمل پلاکارد اعتراض خود را به عدم پرداخت دستمزدهایشان ابراز کرده و احمدی نژاد را ناچار کردند که در جمع کارگران حاضر شده و قول بدهد. کارگران بر انجام این وعده ها تاکید دارند و فضای خشم و اعتراض در میان کارگران همچنان پابرجاست.

کارگران شهرداری طیس سه ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند
بر اساس اخبار و گزارشها پیمانکاران طرف قرارداد با کارگران شهرداری طیس مدت سه ماه است حقوق کارگران را پرداخت نکرده اند

و تنها مبلغ ناچیزی به صورت علی الحساب به کارگران پرداخت شده است. ۷۰ کارگر در دو شرکت پیمانکاری برای شهرداری کار میکنند و این پیمانکاران به بهانه اینکه شهرداری پولی به آنها نداده است کارگران را سر میدوانند. کارگران تا کنون چندین بار به نپرداختن حقوق خود اعتراض کرده اند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت پرسی گاز تهران
نزدیک به یک هفته است که کارگران شرکت پرسی گاز تهران در اعتراض به اخراج خود در مقابل این کارخانه تجمع اعتراضی بر پا داشته اند. کارفرمای این شرکت کارگران رسمی را بطور اجباری به مرخصی فرستاده و کارگران پیمانکار را استخدام نموده است تا تعهدی در قبال کارگران نداشته باشد. کارگران اعلام داشته اند به اعتراضات خود تا بازگشت به کار ادامه میدهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ شهریور ۱۳۸۴ - ۲۹ اوت ۲۰۰۵

اعتراض کارگران سد سازی "گذار خوش ایلام"
کارگران سد سازی ایلام سه ماه است حقوق و مزایای خود را نگرفته اند. کارگران نسبت به بی توجهی مقامات به خواستهای خود اعتراض دارند و خواهان پرداخت فوری حقوقهای خود هستند. در پاسخ به اعتراض کارگران که به مدیریت و مقامات محلی و نهادهای مختلف حکومت اعلام شده مدیر کل امور آب استان ناچار به پاسخ گویی شد و بهانه اش این بود "که علت عمده دیر کرد حقوق کارگران عدم پرداخت اعتبارات مالی استانی و ملی جهت پرداخت حقوق این کارگران بوده است".

عسولویه کنگان
کارگران واحد نصب امونیاک "پتروشیمی غدیر" واقع در منطقه "عسولویه" در جنوب بوشهر مدت چهار ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران این واحد تولیدی وابسته به پارس جنوبی به دلیل نپرداختن دستمزدها و مزایایشان با مشکلات شدید مالی مواجه می باشند. بنابراین اعتراضات مسئولین و مدیران دولتی بلند پایه در این شرکت اکثر کارگران شاغل در پروژههای منطقه عسولویه و پارس جنوبی و از جمله کارگران این واحد تولیدی بیش از سه سال است که مشکل پرداخت حقوق دارند. لازم به توضیح است که هزاران کارگر قراردادی و رسمی در منطقه پارس جنوبی بارها در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان تجمعات اعتراضی بر پا کرده اند. آخرین تجمع اعتراضی کارگران هفته گذشته همزمان با دیدار احمدی نژاد از این منطقه بود. در جریان این دیدار احمدی نژاد صدها کارگر با

جهنم جمهوری اسلامی گریخته اند، این بار نیز نباید اجازه داد جنایت و یا رفتار ضد انسانی چند نفر بر علیه یک دختر جوان و عقب مانده ذهنی، باعث حملات راسیستی و توهین بر علیه پناهجویان افغانستانی شود.

بسوی حکومت ایران سرازیر شد. در چند شبکه خبری معتبر، این خبر منعکس شد و چندین مصاحبه با فرشاد حسینی جزئیات خبر را بیش از پیش روشن کرد. در شهر آمستردام، شب ۲۷ اوت، تظاهراتی اعتراضی سازمان یافت و در آن آمینه بوزکورت نماینده پارلمان هلند سخنرانی کرد و نامه اعتراضی وی به اتحادیه اروپا وسیعاً در همه جا توزیع شد. سه شبکه خبری مهم با ذکر نام فرشاد حسینی و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی خبر را پخش کردند. همه سازمانهایی که روز ۱۱ اوت در فرانسه، ایرلند، انگلیس، هلند، سوئد و سانفرانسیسکو در مقابل سفارتخانه های رژیم و یا مراکز شهر بر علیه اعدام نوجوانان و همجنسگرایان در ایران میتینگ اعتراضی برپا کرده بودند، خواهان اعتراض به این حکم و کمک به ما برای پیشبرد کمپین بودند. وزارت امور خارجه کانادا طی اطلاعیه این احکام را محکوم کرد و کمپین نجات احمد چوکا و فرید مستعار داشت به یک موضوع بسیار گسترده بین المللی تبدیل میشد که نماینده حکومت در مقابل مطبوعات آماده شده و خبر را تکذیب کرده و سعی در مخدوش کردن افکار عمومی کرد. اما شدت فشارها به حدی بود که شب ۲۹ اوت دادستان اراک مجبور به ابراز نظر علنی شده و اعلام کرد که احمد چوکا و فرید مستعار اعدام نمیشوند.

در شرایطی که با آمدن احمدی نژاد، باند همراهش سعی کرد که اعدام نوجوانان و همجنسگرایان را رسمیت بخشد، در شرایطی که روزانه در مراکز شهرها صحنه های شنیع قتل افراد را به نمایش میگذارند، مبارزه بر علیه اعدام يك امر کلیدی است. عقب راندن حکومت، به همگان نشان میدهد که مبارزات جهانی و مبارزه مردم بر علیه اعدام مهم است و باید این مبارزات را برای خنثی کردن حربه قتل عمد سازمان دی-گر مدافع حقوق همجنسگرایان خواهان اقداماتی در این مورد بود.

بلافاصله نامه های اعتراضی

از صفحه ۱ شمشیر زنگ زده احمدی نژاد

اکنون روزی نیست که تعدادی را به اعدام محکوم نکرده باشد، هفته گذشته ۹ نفر در خیابانها و یا زندانها به جوخه اعدام سپرده شدند. و آمار محکومین به اعدام بسیار بالاست. درست در چنین اوضاعی، ضرورت و اهمیت مقابله و مبارزه با اعدام صد چندان میشود.

احکام اعدام بر علیه دو جوان در اراک با موجی از اعتراضات جهانی روبرو شد و رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. قرار بود روز ۲۹ و یا ۳۰ اوت دو جوان را بجرم همجنسگرایی در اراک اعدام کنند. دادستان اراک يك شب قبل از موعدی که قرار بود فرید مستعار و احمد چوکا در اراک اعدام شوند، یعنی شب ۲۹ ماه اوت، مجبور به توضیح علنی در مقابل مطبوعات شد و اعلام کرد که این دو نفر اعدام نمیشوند.

مهم نیست که حکومت چه میگوید و چگونه این عقب نشینی را نیم کلاج رد میکنند. مهم اینست که این دو نفر اعدام نمیشوند و نماینده حکومت مجبور به دادن توضیح در مقابل مطبوعات میشود تا به اعتراضات در دنیا پاسخ داده و زانو زدن حکومت اسلامی را علنا اعلام کند. صحنه ای که برای ما بسیار آشنا است و بارها در مقابل اعتراضات به احکام اعدام و سنگسار در دوران خاتمی و قبل از وی تجربه کرده ایم. مهم اینست که يك موضوع اعدام در ایران چنان به سرعت در دنیا پخش شده و عکس العمل بهرام دارد که فقط دو هفته طول میکشد که حکومت تسلیم شود و این يك واقعه مهم در جنبش علیه اعدام در ایران و علی العموم در دنیا است.

از این عقب نشینی حکومت اسلامی باید عکس گرفت و در مقابل چشم همگان قرار داد. واقعه ای که بزودی در همه عرصه ها اتفاق خواهد افتاد. رجزخوانیهای باندى که بر سر کار آمده، در مورد بستن از صفحه ۴

تبلیغات و تحریکات راسیستی ...

حقوق انسانی میداند، نباید در مقابل این رجز خوانیهای شبه فاشیستی و ضد انسانی ساکت بنشیند.

در مقابل این موج راسیستی ضد شهروندان افغانستانی باید متحدانه و محکم ایستاد.

مينا احمدی دبیر همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

پناهندگان افغانستانی، اعلام میکند که همانگونه که در سوئد و آلمان و اروپا، قتل و جنایت و یا جرایم انجام شده از سوی ایرانیان را نباید وسیله ای برای تبلیغات و باز پس فرستادن پناهجویانی کرد که از

کمپین مالی حزب، یک ماه صد هزار دلار در دو هفته آینده ۴۵۲۰۰۰ دلار دیگر باید جمع آوری شود

عملی شود، و در شرایطی که بیش از هر زمان جامعه ایران، و مردم کارگر و زحمتکش به این حزب نیاز دارند، مجبور به محدود کردن فعالیت ها و تعطیل رادیو انترناسیونال نشویم. همه شما عزیزان را، همه علاقمندان به سرنوشت این حزب و همه فعالین و دوستداران حزب در داخل و خارج

میکنیم. در طول دو هفته آینده حداقل ۴۵۲۰۰۰ دلار دیگر باید جمع آوری شود تا کمپین صد هزار دلار حزب

باقی مانده است. همینجا از کلیه دوستانی که تاکنون با کمک های خود این کمپین را همراهی کردند صمیمانه قدردانی از کمپین مالی حزب، یک ماه صد هزار دلار، ۱۶ روز گذشته است و در مجموع ۵۴۸۰۰ دلار جمع آوری شده است و هنوز ۴۵۲۰۰ دلار

۲۵۰	مهران محبوبی
۲۰۰	بهرام کلاه زری
۱۰	حسن پویا
۱۰	حمید ب
۱۰	سهیل
۱۰	فرید
۲۵۰	داوود آرام
۲۵۰	آرمان آزاد
۱۰۰	بهرز امیری
۲۰۰	امیر زاهدی
۱۰۰	محمد مزرعه کار
۱۰۰	محمد کاظمی
۵۰	سهیلا میلانی
۵۰	نیشان و جوان
۲۰۰	مجید سیاسی
۶۰	جمعی از گروه فرزندگان
۷۰	جمعی از گروه آریا
۱۰۰	جمعی از ایرانیان مقیم تورنتو
سه رقم	آخر را بانو مخبر جمع آوری کرده اند که همینجا صمیمانه از تلاششان قدردانی میکنیم.
۶۵۵	جشن فاند ریزینگ در تورنتو
۵۰	معصومه احمدی
۱۰۰۰	رضا پایدار
۵۰۰	ایرج رضایی
۱۰۰	آرش ناصری
۱۰	احمد نایینی
۲۰	حسن پویا
۵۰	محمد حسن فرج
۶۰۰	دوستان وینی پک
آلمان:	
۱۰۰۰	شهلا خباززاده
۳۰۰	یورو
۱۰۰	علی مرادی
۵۰	محمدرضا کلاتری
۵۰	آرمان مرادی
۵۰	پگاه احمدزاده
جمع لیست ۳	۹۸۷۰ دلار
لیست ۱	۲۳۷۵۰ دلار
لیست ۲	۲۱۱۸۰ دلار
جمع تاکنونی	۵۴۸۰۰ دلار

۵۰	سنور
لیست ۳	
۲۰۰	ناصر اصغری
۱۰۰	بابک یزدی
۳۵۰	یدی محمودی
۲۰۰	از طریق یدی محمودی
۳۵۲	جمعی از دستداران، سنندج
۵۴۰	هزار تومان
۵۰۰	از سردشت
۲۵۰۰	هزار تومان
انگلیس:	
۳۴	از طریق میزهای مالی و ابتکارات دیگر
۴۷۴	واحد حزب در انگلیس
۲۰۰	پوند
سوئد:	
۳۰۰۰	کاوش مهران
۳۰۰	کرون
۱۰۰	اسی
۱۰۰	رامین قانع
۵۰۰	فاضل نادری
۱۰۰	علیرضا ت
۳۲۰	شیرین بهرامی
۵۰	از طریق میزهای اطلاعاتی
۳۰	۱۸۱۴
۵	واحد مالمو حزب
۵۰	کریم آبیبر
۲۰	ساسان
۵	فاطمه میلانی
۲۰۰	زانا
۲۱۱۸۰	جمع لیست ۲
۲۳۷۵۰	لیست ۱
۴۴۹۳۰	جمع تاکنونی

۱۰۰۰	حسن پناهی
۳۰۰	حسن
۵۰۰۰	آذر پویا و هوشیار سروش
۱۲۶۰۰	کمیته سوئد
۲۰۰	مهدی مولانی
۸۸۵	شهلا نوری و دوستان
۱۰۰۰	صابر نوری
۳۰۰	محمود سبجانی
۱۰۰۰	ناصر احمدی
۲۴۰	امیل
۱۲۰۰	کریم و شهلا
۵۰۰	دکتر شهلا
۷۹۴	کبرا، شهلا و دوستان
۱۰۰۰	رفقای حزب در بوروس
۱۰۰۰	دلار
۱۰۰۰	مریم طاهری
۱۰۰۰	و شهاب بهرامی
۱۰۰	دلار
۱۰۰	دلار
ایران:	
۲۲۰	مهرداد کوشا
۲۲۰	دلار
۱۱۰۰	رامین و سارا اسدی
۱۰۰۰	یورو
۱۰۰۰	سام شریفی
۱۰۰۰	صابر رحیمی
۱۴۰۰	از طریق میزهای اطلاعاتی
سوئد:	
۵۰۰	ستاره ناقدی
۱۰۰	کرون
۵۰۰۰	پروین کابلی
۱۰۰۰	رحیم یزدانپرست
۱۰۰۰	خلیل کیوان
۱۰۰۰	کریم شاه محمدی
۱۰۰۰	جمیل و پریرسا
۱۰۰۰	شاهو ودیا
۵۵۰	از طریق پریرسا و افسانه
۱۰۰۰	آرزو صالحی
۳۵۰۰	جوانان کمونیست استکهلم
۲۰۰	رامین «S»
۱۰۰۰	ناصر رحمانی
۵۰۰۰	رزگار روشن و آناهیتا ناصر
۱۰۰۰	حسن صالحی
۱۰۰۰	مزدک
۱۰۰۰	علی حمیدی
۲۰۰	مجید یزدانی

۱۰۰۰	حسن پناهی
۳۰۰	حسن
۵۰۰۰	آذر پویا و هوشیار سروش
۱۲۶۰۰	کمیته سوئد
۲۰۰	مهدی مولانی
۸۸۵	شهلا نوری و دوستان
۱۰۰۰	صابر نوری
۳۰۰	محمود سبجانی
۱۰۰۰	ناصر احمدی
۲۴۰	امیل
۱۲۰۰	کریم و شهلا
۵۰۰	دکتر شهلا
۷۹۴	کبرا، شهلا و دوستان
۱۰۰۰	رفقای حزب در بوروس
۱۰۰۰	دلار
۱۰۰۰	مریم طاهری
۱۰۰۰	و شهاب بهرامی
۱۰۰	دلار
۱۰۰	دلار
ایران:	
۲۲۰	مهرداد کوشا
۲۲۰	دلار
۱۱۰۰	رامین و سارا اسدی
۱۰۰۰	یورو
۱۰۰۰	سام شریفی
۱۰۰۰	صابر رحیمی
۱۴۰۰	از طریق میزهای اطلاعاتی
سوئد:	
۵۰۰	ستاره ناقدی
۱۰۰	کرون
۵۰۰۰	پروین کابلی
۱۰۰۰	رحیم یزدانپرست
۱۰۰۰	خلیل کیوان
۱۰۰۰	کریم شاه محمدی
۱۰۰۰	جمیل و پریرسا
۱۰۰۰	شاهو ودیا
۵۵۰	از طریق پریرسا و افسانه
۱۰۰۰	آرزو صالحی
۳۵۰۰	جوانان کمونیست استکهلم
۲۰۰	رامین «S»
۱۰۰۰	ناصر رحمانی
۵۰۰۰	رزگار روشن و آناهیتا ناصر
۱۰۰۰	حسن صالحی
۱۰۰۰	مزدک
۱۰۰۰	علی حمیدی
۲۰۰	مجید یزدانی

لیست ۲	
فنلاند	
۱۰۰۰	ندا
۱۰۰	بیورو
۱۰۰	عبدل گلپریان
۲۰	ارغوان
۱۰۰	عمر معروفی
آمریکا:	
۵۰۰	خدر احمدی
۱۰۰	دلار
۱۰۰	بیژن ج ۲ دالاس
۱۰۰	دلار
۱۰۰۰	مژگان روشن ضمیر
۱۰۰۰	و سعید صالحی نیا
۱۰۰	دلار کانادا
۱۰۰	ارشان
۱۰۰	آذر غلامی
نروژ:	
۱۰۰۰	صالح فلاحی
۱۰۰۰	کرون
۱۰۰۰	ناصر احمدی
۱۰۰۰	سام شریفی
۱۰۰۰	صابر رحیمی
۱۴۰۰	از طریق میزهای اطلاعاتی
سوئد:	
۵۰۰	ستاره ناقدی
۱۰۰	کرون
۵۰۰۰	پروین کابلی
۱۰۰۰	رحیم یزدانپرست
۱۰۰۰	خلیل کیوان
۱۰۰۰	کریم شاه محمدی
۱۰۰۰	جمیل و پریرسا
۱۰۰۰	شاهو ودیا
۵۵۰	از طریق پریرسا و افسانه
۱۰۰۰	آرزو صالحی
۳۵۰۰	جوانان کمونیست استکهلم
۲۰۰	رامین «S»
۱۰۰۰	ناصر رحمانی
۵۰۰۰	رزگار روشن و آناهیتا ناصر
۱۰۰۰	حسن صالحی
۱۰۰۰	مزدک
۱۰۰۰	علی حمیدی
۲۰۰	مجید یزدانی

کانادا: (تورنتو، اتاوا، وینی پک)

سعیده ۲۰۰۰

خاوران از بین بردنی نیست

جمهوری اسلامی بار دیگر به صرافت از بین بردن گورستان مشهور خاوران افتاده است. می‌خواهند تحت عنوان تبدیل آن به گورستان عمومی، این جایگاه تاریخی، این سند جنایتشان را دستکاری کنند و تغییر دهند. خاوران محل دفن هزاران تن از عزیزان مردم است که در زندانهای سیاسی به دست جلاخان حاکم وحشیانه نابود شدند. روشن



است که خاوران تنها محل دفن قربانیان این حکومت نیست اما شناخته شده ترین و مشهورترین آنهاست. خاوران سند جنایتی بزرگ و غیر قابل تصور در تاریخ بشریت است که با جنایات جلاخان شناخته شده تاریخ بشر نظیر رژیمهای پینوشه و هیتلر و فرانکو و امثال آنها برابری میکند. اینکه حکومت اسلامی سرمایه داران چندین بار تلاش کرده است خاوران را از صحنه پاک کند، خود گویای وحشت این حکومت از جریان زنده و گسترش یابنده انقلاب مردمی است که برای به زیر کشیدن این منفور ترین و خونخوارترین ماشین جنایت پا به میدان گذارده اند. خاوران از بین بردنی نیست. همانگونه که حکومت پینوشه با به اقیانوس انداختن زندانیان سیاسی نتوانست آثار جنایات خود را در انتظار بشریت مخفی کند، همانطور که هیتلر با خاکستر کردن اجساد صدها هزار تن یهودیان و کمونیستها و رهبران کارگری نیز قادر نشد جنایاتش را لاپوشانی کند، این حکومت نیز به‌چوچه قادر به پاک کردن آثار جنایات بی حد و حصر خود نیست و نخواهد بود. میلیونها نفر از مردم

ایران شاهدان زنده جنایات دهشتناک این حکومت هستند. خاوران را نیز این مردم در سینه تاریخ ثبت کرده اند و در عین حال بارها با چنگ و دندان مانع نابود کردن آن شده اند. این بار نیز همین مردم گورستان خاوران را از گزند این جلاخان حفظ خواهند کرد. جمهوری اسلامی نباید تحت هیچ عنوانی به این گورستان دست بزند. این گورستان همانگونه

که هست، همانگونه که بوده است همچون همه آثار باز مانده از تاریخ باید حفظ شود و در معرض دید نسلهای بشری قرار گیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم و همه سازمانهای انسان دوست در ایران و در سطح جهان را علیه هرگونه تغییر در گورستان خاوران به اعتراض فرا میخواند. باید جنبشی بین المللی علیه از بین بردن خاوران براه انداخت. خانواده های جانباختگان، باید در صف مقدم این اعتراض توجه جهانیان را به ابعاد جنایتی که در خاوران و گورستانهای دیگر دفن شده است جلب کنند. خاوران محل اعتراض، میعادگاه مردم علیه حاکمین خواهد بود. اعتراض یکپارچه همه ما مردم این تلاش حاکمین اسلامی را به یک رسوایی و شکست سیاسی برای آنها تبدیل خواهد کرد.

**مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی زنده باد برابری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران**

۵ شهریور ۱۳۸۴ - ۲۷ اوت ۲۰۰۵

در تظاهرات بین المللی ۸ سپتامبر علیه دادگاههای اسلامی فعالان شرکت کنید

حقوق جهانشمول انسان و بویژه زنان و کودکان!

از طریق يك اعتراض جهانی به دادگاههای اسلامی در کانادا باید نشان دهیم که ما مردم آزادیخواه در همه نقاط دنیا در مقابل تقلاهای جریانات اسلامی می ایستیم و اجازه نخواهیم داد که قوانین ارتجاعی عهد عتیق بر زندگی ما حاکم شود. این اعتراض در عین حال هشدار است به همه دولت‌های غربی که با مسامحه با جریانات اسلامی مبانی سکولاریسم در غرب را به زیر سؤال می برند و دست مذهب را در آموزش و پرورش [] قضاوت و حتی در زندگی خصوصی باز می گذارند.

برای آگاهی از زمان و مکان دقیق این اعتراض در کشورهای مختلف به سایت اینترنتی کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا مراجعه کنید. آدرس اینترنتی این سایت چنین است:

www.nosharia.com

**نشکلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران**

۳ شهریور ۱۳۸۴ - ۲۶ اوت ۲۰۰۵

آزادیخواه را فرا می خوانیم که فعالان در اعتراض روز ۸ سپتامبر شرکت کنند و به دادگاههای اسلامی در کانادا يك نه محکم بگویند.

نه گفتن به دادگاههای اسلامی در کانادا یعنی سنگر بندی در مقابل جریانات اسلامی که می کوشند نه فقط در کانادا که در غرب و در محیط های اسلامی آیین و مقررات ضد انسانی مذهبی را به انسانها تحمیل کنند! نه گفتن به دادگاههای اسلامی یعنی نه گفتن به دخالت مذهب در سیستم قضایی جوامع و دفاع از سکولاریسم و جدایی کامل و همه جانبه دین از دولت در جوامع غربی! نه گفتن به دادگاههای اسلامی در کانادا یعنی دفاع از حقوق زنان و کودکان در محیط های اسلامی که حقوقشان بر اساس حکمیت مذهبی پایمال می شود! نه گفتن به دادگاههای اسلامی در کانادا یعنی نه گفتن به تز تمام ارتجاعی "نسبیت فرهنگی" که به موجب آن گویا حقوق انسانها می تواند بدلیل فرهنگ "خودی" پایمال و نقض شود. نه گفتن به دادگاههای اسلامی در کانادا یعنی دفاع از

کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا برای روز ۸ سپتامبر فراخوان يك اعتراض جهانی علیه دادگاههای شریعه در کانادا را داده است. حدود دو سال پیش جریانات اسلامی در شهر تورنتو کانادا، بنا به استناد به لایحه حکمیت انتاریو ۱۹۹۱، از دولت خواستند که اجازه حکمیت بر اساس قوانین شریعه را در حل منازعات خانوادگی و کسبی داشته باشند. این درخواست با تایید دولت انتاریو روبرو گردید. بدنبال این تلاش اسلامی ها و تائید حکمیت اسلامی در سیستم قضایی [] جنبشی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا پا گرفت که در راس آن هما ارجمند از چهره های شناخته شده دفاع از حقوق کودک و زن قرار دارد. این جنبش که تحت نام کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا فعالیت می کند. امسال در دومین سال از حیات خود يك اعتراض جهانی به دادگاههای مذهبی و اسلامی در کانادا را برای روز ۸ سپتامبر سازمان داده است. ما ضمن پشتیبانی قاطع از این حرکت اعتراضی همه انسانهای

تجمع صدها نفر از کارگران نازخ قزوین در مقابل دفتر ریاست جمهوری رژیم

دیدار نکرده و مشکلاتشان برطرف نشود بسر کار باز نخواهند گشت. نپرداختن دستمزدهای ناچیز کارگران توسط دولت و سرمایه داران يك عمل جنایتکارانه است که زندگی بیش از يك میلیون کارگر را در ایران با مشقت و رنج همراه کرده است. حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران را به اعتراض به نپرداختن دستمزدهای کارگران فرا میخواند. دستمزد همه کارگران تماما باید پرداخت شود و کارفرمایان موظفند به کارگرانی که دستمزدهایشان به موقع پرداخت نشده خسارت بپردازند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ شهریور ۱۳۸۴ - ۲۹ اوت ۲۰۰۵

بطور کامل از طرف مدیریت پرداخت نشده و آنها تنها با پرداختی ناچیزی از سوی سازمان تامین اجتماعی مجبورند زندگی کنند. کارگران نازخ قزوین اکنون چندین بار برای گرفتن حقوقهای خود دست به تجمع و اعتراض زده اند که این تجمعات با دخالت و تهدید نیروهای مسلح رژیم مواحه شده است. آخرین مورد تجمع کارگران در تیر ماه امسال برگزار شد که در جریان این تجمع کارگران از طرف یکی از مقامات بلند پایه استان قزوین تهدید به برخورد فیزیکی شدند. در پایان تجمع دیروز، کارگران اعلام کردند تا زمانی که رئیس جمهوری رژیم با آنها

شمار زیادی از کارگران و باز نشستگان کارخانه نازخ قزوین روز دوشنبه ۷ شهریور ماه در برابر دفتر ریاست جمهوری اسلامی تجمع کردند و نسبت به نپرداختن حقوق و مزایای خود اعتراض کردند. کارگران این واحد تولیدی می گویند که از آغاز سال ۱۳۸۰ تا کنون بخش زیادی از حقوق و مزایای آنها پرداخت نشده است. در همین سال جاری کارگران بعد از شش ماه تنها حقوق دومه را دریافت کرده اند.

بعلاوه کارگران بازنشسته این واحد تولیدی می گویند که با گذشت بیش از چند سال از بازنشسته شدنشان حقوقها و مزایایی که به آنها تعلق می گرفته

هزار نفر زائران شیعی کشته شدند

روز چهارشنبه ۳۱ اوت هنگامی که هزاران نفر از زائران شیعی در حال راهپیمایی بر پل الاثمه بطرف کاظمین محل دفن امام هفتم شیعیان در شمال بغداد بودند يك نفر فریاد زد که پل بمب گذاری شده است و با هجوم جمعیت وحشت زده، حدود هزار نفر در زیر دست و پا کشته شدند. عده ای از آنان نیز از پل به پایین پرتاب شدند و در جا جان باختند. این بزرگترین تلفات عراق در يك سال گذشته است. هنوز معلوم نیست که آیا شایعه بمب گذاری از سوی تروریستها بوده یا دلیل دیگری داشته است. يك روز قبل از آن در جریان حمله موشکی به مرکز شیعیان ۷ نفر کشته شدند. تاکنون آمار ۹۶۵ کشته منتشر شده است و گفته میشود که تلفات این واقعه بیش از هزار نفر است.

عراق هرروز صحنه فجاج تکان دهنده و بهت آوری است. چشم انداز نزدیکی برای پایان یافتن این موج کشتار مردم بی دفاع مشاهده نمیشود و سهم خواهی باندها و دستجات اسلامی و قومی و صحنه گردانی دولت آمریکا که در حال شکل دادن به يك حکومت دست ساز اسلامی فدرالی قومی در آنجاست، خبر از ادامه خونبار تر این وضعیت میدهد. قربانی این شرایط مردم بی دفاع عراقند که هرروز در کوچه و خیابان و خانه و همه جا کشتار میشوند. بشریت متمن باید با فشار گذاشتن بر این قطبهای ارتجاعی از حقوق انسانی مردم عراق دفاع کند و این کلاف پیچیده منافع و مصالح طرفهای درگیر را با دفاعی فعال از حکومتی غیر قومی و غیر مذهبی و پافشاری بر خلع سلاح تروریستها و پایان دادن به اشغال نظامی این کشور، بگشاید. این راه چه دور چه نزدیک تنها راه نجات میلیونها نفر مردم بی دفاع عراق از چنگ قطبهای جنایتکار تروریستی است.*

در سالهای اخیر تروریسم اسلامی به يك پدیده فعال در جهان تبدیل شده و هرروز جان عده ای مردم بی گناه را در کوچه و خیابان و مدرسه و همه جا میکشد. سر بر آوردن این جنبش کثیف و ضد انسانیت اساسا محصول دوره جنگ سرد است که دولتهای غربی در برابر بلوک شوروی این وحش درنده و خون آشام را از



لحظه ای از گروگانگیری تروریستهای اسلامی در بسلان

نظر نظامی و مالی و تبلیغاتی و سازمانی با دست و دل بازی تغذیه کردند و امروز این هیولای از گور برخاسته با تروریزه کردن زندگی همه مردم، کل بشریت را نشانه گرفته است. خلاصی از دست این جنبش مخوف و بیرحم و درنده خو و بیگانه با تمام معیارهای انسانی نیز در گرو جنبشی بین المللی برای دفاع از انسانیت در برابر هم تروریستهای اسلامی و دولتهای حامی آنها نظیر جمهوری اسلامی است، و هم مقابله با سیاست دولتهای غربی خالق آنها و در راس آنها حکومت آمریکاست که به بهانه مقابله با تروریسم، میلیتاریزم و تروریسم دولتی را به گوشه و کنار جهان صادر میکنند. بشریت راهی جز به میدان آمدن با صفوف میلیونی در برابر این دو جبهه تروریستی و میلیتاریستی ندارد.

در يك سالی که از فاجعه بسلان گذشته جهان شاهد هزاران جنایت تروریستی دیگر بوده است. یاد قربانیان مدرسه بسلان را با عزم برای برپا کردن جنبش بین المللی در برابر قطبهای تروریستی گرامی بداریم.

اقلیتهای ملی يك شاخص هر جریان و جنبش انسانی و مترقی و انسان دوست است.

سالگرد قتل عام کودکان در بسلان

مردم شهر بسلان در جنوب روسیه مراسم چند روزه ای را در سالگرد



تصویر یک کودک از وحشی که تروریسم اسلامی بر جای گذاشت!

کشتار فجیع در مدرسه بسلان آغاز کرده اند. روز ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۰۴ تروریستهای اسلامی به مدرسه ای در شهر بسلان در روسیه حمله کردند و تمام دانش آموزان و معلمین و والدین حاضر در مدرسه را چند روز به گروگان گرفتند. جهان با نگرانی به این صحنه چشم دوخته بود که فاجعه ای روی ندهد. اما فاجعه در پیش چشم مردم جهان صورت گرفت. این گروگانگیری با حمله نیروهای پلیس و ارتش روسیه به يك تراژدی خونین تبدیل شد و ۳۳۰ نفر در آن کشته شدند که اکثریت آنها را کودکان تشکیل میدادند. شمیل باسایف رهبر جدایی طلبان چچن که يك گروه تروریستی اسلامی است مسئولیت این گروگانگیری را بعهده گرفت.



در حاشیه رویدادها

کازم نیکخواه

یک بار دیگر فاشیسم ایرانی علیه پناهندگان افغانستانی

هیترلی مقایسه کنید تا متوجه شوید که ناسیونالیستها با هر شکل و شمایی اگر فرصت کنند از کجا سر در می آورند. اگر این اتهامات و تبلیغات در کشوری با استانداردهای انسانی تر قانونی صورت میگرفت این نویسندگان و ژورنالیستهای مرتجع و تمام مقامات حکومت اسلامی به محاکمه کشیده میشدند و به جرم تبلیغات فاشیستی و توهین به بشریت محکوم میشدند. اما در ایران این يك نرم است. جمهوری اسلامی معجونی از دو جریان تاریخی است. یکی مذهب و قوانین اسلامی و دیگری ناسیونالیسم ایرانی. در هر دو این جنبش ها انسان معنا و ارزش و جایگاهی ندارد. همه کودکان و زنان و مردان افغانستانی که روحشان از جنایت کثیف مزبور خبر ندارد یکجا محکوم میشوند و حکم قتلشان صادر میشود. این فاشیسم تمام عیار است. برای دستیابی به جامعه ای انسانی راهی جز افشا کردن و جارو کردن این جنبشها از صحنه سیاسی جامعه وجود ندارد. اینها آنچنان کوتاه بینند و عینک ناسیونالیستی کورشان کرده است که متوجه نیستند که با این معیار همه ایرانیها میبایست به جرم جنایاتی که هرروز هم توسط جمهوری اسلامی و هم توسط باندهای تبهکار ایرانی صورت میگردد محکوم میشدند. هر انسان شریفی باید اعتراض و انزجار خود را از این تبلیغات که نه فقط از زبان مقامات و رسانه های جمهوری اسلامی بلکه از زبان تمام ناسیونالیستهای بظاهر محترم مدام جاری میشود، ابراز کند و از حقوق برابر و انسانی همه کارگران و پناهندگان افغانستانی با قاطعیت دفاع نماید. دفاع از پناهندگان افغانستانی و همه

این روزها موج تازه ای از حمله به پناهندگان افغانستانی توسط رسانه ها و مقامات جمهوری اسلامی شروع شده است. توهین و تحقیر و جنایتکار خواندن همه پناهندگان افغانستانی به سادگی در رسانه های حکومت منعکس میشود. موضوع و بهانه این تهاجم کثیف و فاشیستی جنایتی است که در آن چند نفر به يك دختر که دارای عقب ماندگی فکری است تجاوز کرده اند. بلافاصله بعد از این جنایت و حتی قبل از اینکه کسی دستگیر شود مقامات حکومت اسلامی اعلام کردند که مجرمین چند افغانی بوده اند. و پس از آن همه افغانستانیها مورد حمله قرار گرفتند و جنایتکار و قاتل و امثال اینها خوانده شدند. رئیس قوه قضائیه گفته است که همه پناهندگان غیر قانونی افغانی از ایران اخراج میشوند. (که البته این کلمه "غیرقانونی" برای آب بندی دیپلماتیک استفاده شده است) روزنامه اعتماد در مقاله مفصلی به قلم شخصی بنام مهناز قلعه دار تلاش کرده است احساسات مردم را علیه پناهندگان و مشخصا کارگران افغانستانی تحریک کند و بعد از اینکه به آمار ساختگی جمهوری اسلامی اشاره میکند که بیست در صد قتل ها توسط افغانها صورت میگردد مینویسد "اگر این قتل ها فقط شامل قتل افغانی بدست افغانی بود خوشحالت تر میشدیم اما..."

این جملات کنه و جوهر ناسیونالیسم ایرانی را بروشنی جلوی چشم میگذارد. این جمله و سایر تبلیغات ضد انسانی ناسیونالیسم ایرانی را با تبلیغات فاشیسم

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!